وطن امروز

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش

مدیرمسوول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳

نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲

سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳

پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر:	۱۲:۰۹	غروب آفتاب:	۱۷:۰۳
اذان مغرب:	۱۷:۲۳	نیمه‌شب شرعی:	۲۳:۲۴
اذان صبح فردا:	۵:۴۵	طلوع آفتاب:	۷:۱۴

کلام نور

[مهدی] شیوه عدالت را به شما نشان می دهد و احکام از بین رفته کتاب و سنّت را زنده می‌سازد.

امام علی(ع)

ماجرا

نگاهی به معاهدات و توافقات خارجی ایران در ۲ قرن منتهی به انقلاب اسلامی ـ ۱

عصر انحطاط و امتیاز

ادامه از صفحه اول

تا سال ۱۸۹۰ میلادی چند امتیاز و انحصار مهم اقتصادی به شرکت‌ها و افراد مختلف بریتانیایی تقدیم شد و تقریبا تمام منابع ملی را به ثمن بخس در اختیار دشمن سیری‌ناپذیر قرار داد. امتیازات رویتر، رژی و تالبوت از آن جمله‌اند. کار به آنجا رسید که در ۱۹۰۷ میلادی انگلیس و روسیه در سن‌پترزبورگ طی قراردادی شمال و جنوب ایران را عملا میان خود تقسیم کردند سپس در دوران احمدشاه توافق رسوای ۱۹۱۹ میان ایران و انگلیس به امضای وثوق‌الدوله و پرسی کاکس رسید که براساس آن قرار بود تمام امور جاری ایران زیر نظر مستشاران انگلیسی و با اجازه آنان صورت گیرد. داستان مذاکرات پنهان این توافق بویژه رشوه‌های کلان پرداخت‌شده به مذاکره‌کنندگان ایرانی بسیار خواندنی و در عین حال غم‌انگیز است. قصه پرغصه امتیازات نفتی نیز از «دارسی» در عهد قاجار شروع می‌شود و قراردادهای مختلف دوران پهلوی مانند «گس-گلشائیان» و «کنسرسیوم» عملا بخش عمده منافع طلای سیاه را به جیب دولت‌ها و کمپانی‌های غربی سرازیر می‌کند. طبیعتا اینها همه ماجرای روی میز است. هنگامی که چنین امتیازدهی‌هایی به سادگی در منظر افکار عمومی و به شکل علنی در جریان است، حدس زدن جریان‌های «زیر میز» و «پشت پرده» کار چندان دشواری نیست. مطالعه جزئیات حوادث تاریخی پیش گفته، هم جذاب و هم درس‌آموز است اما آنچه در این میان برای ایرانی امروز اهمیت دارد تنها مشغول شدن به این داستان‌ها نیست. باید اندیشید که این روند ناصواب چگونه آغاز شد و چگونه تداوم یافت و تحت چه شرایطی کار به شکلی پیش رفت که در دوران پهلوی، ایران با تمام منابع زیر و روزمینی خود به شکارگاه اقتصادی و سیاسی دولت‌های بزرگ مبدل شد. در این روند، هم نمودار رفتار حاکمان در طول زمان قابل بررسی است و هم رفتار جامعه مسلمان ایران و میزان حساسیت افکار عمومی در مقابل وابستگی و سازشکاری طبقه حاکم در مقابل بیگانگان شایسته مطالعه ریزبینانه است. مردم و دولتمردان ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به این هشیاری نیازمندند. از این پس هر شنبه در ستون «ماجرا» بخشی از داستان معاهدات و توافقات خارجی ایران معاصر را روایت خواهیم کرد. استقلال و عزت ایران که رهاورد انقلاب اسلامی و شهیدان این آب و خاک پراج است تنها با شعار باقی نخواهد ماند. باید گذشته را کاوید، چشم‌ها را گشود و عزت و پیشرفت در سایه اسلام را برای آینده به پاسداری ایستاد. چنین باد!

یادداشت روز

فرار از اقتصاد

ادامه از صفحه اول

همچنانکه نتیجه تمدید توافق کذا هم می‌تواند باشد که ما سابق بر این در روزنامه «وطن امروز» از آن به «دشت اول تمدید توافق» یاد کردیم. فرار از حوزه اقتصاد حتی اگر فرار به حوزه مهم و غیرمبتذل دیپلماسی هم باشد، باز نتیجه‌ای بهتر از نفت ۵۷ دلاری در پی نخواهد داشت. اینک جا دارد داخل پرانتز به آقای رفسنجانی بگوییم که آیا بهتر نیست برای این نفت ۵۷ دلاری هم پایی پیش بگذارید و نزد اخوک عبدالله‌تان چیزی به گرو بگذارید؟! و آیا بهتر نیست به آل‌سعود که این همه نزد ملت ما منفور است، اینقدر مشتاق نباشید؟! بگذریم که من از سر خیرخواهی به دولت محترم عرض می‌کنم منفعت، فقط و فقط در «نبرد کارآمدی» است و الا «جنگ مواضع» دولت، نه با ما که علی‌القاعده باید با آمریکا و اسرائیل منفور و امثال همین عربستان مفت‌خور باشد. با شعارهای اقتصادی از مردم رای گرفتن اشکالی ندارد اما شرط است که بعد از روی کار آمدن هم حقیقتا نقش «کلید» را ایفا کنیم، نه اینکه با خلق کلیدواژه‌های غیراقتصادی، گره‌های معیشتی زندگی مردم را بیشتر کنیم. از قضا، نقد ما به توافق کذا یا تمدید آن هم به زبان اقتصاد بود، به زبان اقتصاد! آقایان قول داده بودند با توافق، تحریم‌ها برداشته می‌شود و اقتصاد نفسی می‌کشد! فی‌الحال تحریم‌ها که برداشته نشد، اما تو اگر می‌خواهی اقتصاد نفسی بکشد، اولین قدم آن است که از اقتصاد، فرار نکنی. با این دست‌فرمان همه حرفی زده می‌شود الا حرفی که برای مردم «نان» داشته باشد! با این دست‌فرمان کلیدواژه‌ها «کلید» را می‌خورد!

■ زنبور

کارتون: مازیار بیژنی، وطن‌امروز

اقتصاد غیرتورمی با نرخ ۴ درصد

■ روزنه

آقای وزیر شما قول دادید قربیبان قربانی نشود!

■ علیرضا پورصباغ ■

وقتی وزیر ارشاد در پشت صحنه فیلم «۳۶۰ درجه» به کارگردانی محمدسام قربیبان و تهیه‌کنندگی فرامرز قربیبان حضور پیدا کرد، مسرور شدیم. پس از سفرهای هنری نه چندان مقبول محمد احسانی (معاون سابق اداره ارزشیابی سازمان سینمایی) که در سفری طولانی و کاملا نظارتی در پشت صحنه آثار سینمایی حضور پیدا می‌کرد، حضور وزیر ارشاد در پشت صحنه فیلم قربیبان بسیار مسرورکننده بود. فیلم قبلی قربیبان پدر(گناهکاران) به طرز حیرت‌آوری در دوران اکران و نمایش قربانی شد و مشتاقان سینمای ملی دلخور از این ماجرا بودند که فیلمی اخلاقی و خوب با اکرانی نه چندان مطلوب از پرده سینما پایین آمد و فرامرز قربیبان به خاطر اکران نامطلوب اثرش تاوان مالی سنگینی داد. وزیر با این حرکت بر خلاف زیردستانش در سازمان سینمایی، به منتقدان و روزنامه‌نگاران سینمایی فهماند همه سینما عسگرپور، منوچهر محمدی و فرهاد توحیدی نیست و در میزانسن زیباتری، باید بزرگانی همچون قربیبان پدرکه برای سینمای ملی پس از انقلاب از جان مایه گذاشتند از جانب مسؤولان فرهنگی مورد لطف و تفقد بیشتری قرار گیرند. اما اتفاقی که در وزارت ارشاد می‌افتد در نوع خود بسیار جالب است؛ وزیر که مقام ارشد این وزارتخانه است امر به مهمی می‌کند اما زیردستان، اهل مطاع و امربری نیستند! وقتی وزیر ارشاد در پشت صحنه فیلم قربیبان حضور پیدا می‌کند امربران باید بدانند باید از فیلم قربیبان حمایت کنند. مگر سام قربیبان نخستین فیلم سینمایی خود را جلوی دوربین نبرده است؟ اگر چنین است چرا مرکز گسترش سینمای تجربی فیلم قربیبان پسر را حمایت نکرد؟ مگر در پشت صحنه این فیلم شما به قربیبان پدر (تهیه‌کننده فیلم ۳۶۰ درجه) قول ندادید کمکی مالی نصیب ۳۶۰ درجه شود؟ آیا شد؟ آیا کمک به هنرمندان متعهد این سرزمین مخصوص گردن‌کلفتان خانه سینماست یا این کمک‌ها شامل حال هنرمندان مستقل و متعهد هم می‌شود؟

آقای وزیر محترم! کارنامه تلاش این پدر و پسر با ساخت فیلم اخلاقی گناهکاران که برای مردم و توده‌های سینمارو ساخته شده بسیار شفاف است و آنها صداقت خود را با ساخت چنین فیلم بزرگی به اثبات رسانده‌اند و حق مطلب را در قبال سینمای ملی ادا کرده‌اند. فیلم اخیر سام قربیبان که شما پشت صحنه آن حضور پیدا کردید، فیلم بسیار خوبی است. رنگ و لعابش، فرم و محتوایش دلچسب است اما متاسفانه نمی‌دانیم چه بلایی بر سر هیات انتخاب آمده است که فیلم را نادیده گرفته‌اند و متاسفانه فیلمی که بر مدار سلیقه توده‌های سینمارو ساخته شده و با اقبال خوب مردم هم مواجه خواهد شد از سبد هیات انتخاب کنار گذاشته شده است. اینکه فرامرز قربیبان به عنوان داور سال گذشته جشنواره فیلم فجر، از پشت پرده جوایز پرده برداشت و دست به افشاگری زد موجب دلخوری «حضرت والای جشنواره فجر» شده است؟! آقای وزیر ارشاد! قرار بود دولت تدبیر و امید هنربانی کند! هنربانی کجا و مبصری با ترکه بالای سر سینماگران کجا! آقای وزیر! رفتارشناسی «حضرت والای جشنواره فجر» به قدری مبهم است که در لیست هیات انتخاب فیلمی قرار دارد که ۲ پرده‌اش فیلمبرداری شده است و همچنان فیلمبرداری‌اش ادامه دارد، در مقابل سام قربیبان فیلم را به صورت کامل به هیات انتخاب تقدیم می‌کند اما فیلم اجازه دیده شدن توسط هیات انتخاب را ندارد. ۳۶۰ درجه با روایتی کاملا ایرانی، فیلمی با تم و دستمایه اخلاقی و ملی است، آنوقت در لیست نهایی بخش نگاه نو جشنواره حضور ندارد. آقای وزیر! حضرت والای جشنواره فیلم فجر قشری‌نگر و تنگ‌نظر است. این موضوع را در مقابل چشمانش، بنده بارها به زبان آورده‌ام و خاطرم هست محمدحسین صفار هرندی به دلیل همین قشری‌نگری در شیوه برگزاری جشنواره فیلم فجر بود که عذر حضرت والا را در دولت نهم خواست، فقط به این دلیل که خیلی هوای نزدیکان خودش را داشت.

واقعا با این رفتارهای تنگ‌نظرانه بسیاری از جوانان فیلمساز امیدی ندارند که فیلم خود را تقدیم جشنواره کنند. آقای وزیر! این بود جذب حداکثری هنرمندان که مطالبه صریح بزرگان است؟ امید داشتیم در دولت امید، تدبیر و اعتدال در مدیریت، نصیب نسل نوجو و فرهیخته‌ای شود که با نفسی تازه بهر مردم فیلم می‌سازند و سفارشی‌ساز نیستند. آقای وزیر! امید داشتیم وعده‌های شما درباره قربیبان‌ها محقق شود تا در چرخه مدیریت فعلی سینما غریب نمانند. آقای وزیر ارشاد! همه این اتفاق‌ها درحالی می‌افتد که شما در پشت صحنه فیلم قربیبان حضور پیدا کردید و ما هم تیتر زدیم «وزیر قول داد قربیبان قربانی نشود» اما فیلم زیبای سام قربیبان به تهیه‌کنندگی پدرش عملا توسط جشنواره سر بریده شد. مطمئن هستیم فیلم ۳۶۰ درجه، شایسته است در جشنواره فجر حضور داشته باشد تا عوامل سازنده‌اش قدر ببینند. آقای وزیر! ما بنا به همان اصولی که بدان معتقدیم، هنرمندکش نیستیم و اعتقادی به هنرمندکشی نداریم. برای ما فرقی نمی‌کند کدام دولت سرکار باشد اما می‌دانیم هنرمندکشی یعنی همین قدرناشناسی به سبک و سیاق برخی مدیران سینمایی.

بنده یقین دارم عوامل بسیاری از این فیلم استحقاق دریافت جایزه فجر انقلاب را دارند. اگر با قربیبان پدر خصومت دارند، این موضوع چه ربطی به سام قربیبان دارد؟ اگر با سام قربیبان مشکل دارند این موضوع چه ربطی به میلاد کی‌مرام (بازیگر) دارد؟ اگر با قربیبان مشکل دارند چه ربطی به کوهیار کلاری (فیلمبردار) دارد؟ اگر با قربیبان مشکل دارند چه ربطی به تدوینگر فیلم دارد؟ آقای وزیر! یک لشکر نخبه سینمایی در این اثر شاخص حضور دارند که هر کدام مستحق جایزه‌اند. حتی مسعود فروتن (بازیگر) در این فیلم به طرز حیرت‌آوری یک بدمن فوق‌العاده را بازی کرده است و همه عواملی که نام بردیم در این فیلم قربانی می‌شوند. آقای وزیر! همه این موارد را کنار بگذاریم قربیبان پدر حق بزرگی گردن سینمای انقلاب دارد. او حضور موثری در سینمای ملی داشته است. او در دهه ۶۰ در آثاری حضور یافته است که موجب فخر سینمای ملی است، شاید در همان آثار مدنظر مثل ترن، بسیاری از همکارانش حاضر نبودند فیلمنامه چنین آثاری را بخوانند. اگر هنرمندکشی به دلیل یک اظهار نظر درباره داوری جشنواره در مرامنامه سینمایی زیردستان در سازمان سینمایی است پس بفرمایید! بکشید خلاقیت ناب این پدر و پسر را! آقای وزیر! قربیبان پدر با هر نشریه‌ای که مصاحبه می‌کند از گذشته مدیریت بهشتی و انوار در دهه ۶۰ گله می‌کند. از اینکه نگذاشتند در فیلم «جدال در تاسوکی» که خودش کارگردانش بود بازی کند. هنوز پس از بیست و چند سال همچنان از سیستم فرهنگی دهه ۶۰گله‌مند است و دلخوری‌اش از انوار و بهشتی را هیچگاه فراموش نمی‌کند. خواهش می‌کنم اجازه ندهید با هنرمندان، سیاسی رفتار شود و ۲۰ سال بعد سام قربیبان پسر هر گاه با نشریه‌ای مصاحبه کرد بگوید وزیر وقت علی جنتی بود و آدم‌هایی را در مصدر جشنواره قرار داده بود که فیلم اول او را قربانی کردند. آقای وزیر! بی‌شک از جانب آقای ایوبی آبی گرم نمی‌شود، برای ایوبی سینما به منزله خانه سینماست؛ عسگرپور، منوچهر محمدی و فرهاد توحیدی. هرکس با حضرت والای جشنواره مخالف‌خوانی کند به‌طور خودجوش ذبح می‌شود و بنده یقین دارم از تدبیر این جماعت امیدی نصیب هنرمندان متعهد و جوان این سرزمین نخواهد شد.

■ سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸/ تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ دولت محترم عنوان کرده افزایش حقوق در سال آینده به میزان نرخ تورم خواهد بود. حال ۳ نکته پرسشی بسیار مهم و مؤثر در زندگی اقشار مختلف جامعه بویژه افراد ضعیف‌تر در این باره وجود دارد. یکی آنکه؛ از کجا معلوم این نرخی که همین جور البته فقط در اعلام(!) در حال کاهش است، درست بیان می‌شود و الآن واقعاً تورم موجود در کشور به حدود یک سوم سال گذشته کاهش یافته؟(از بالای ۴۰ درصد به ۱۷ درصد!) دیگر اینکه حال اگر این تورم اعلامی، صحیح و حقیقی بوده و عاری از دروغ باشد، چرا در شروع سالی که رو به پایان است، چنین چیزی اعمال نشد یعنی حقوق کارمندان و کارگران لااقل ۴۰ درصد اضافه نشد ولی حالا که می‌گویند ۱۷ درصد است، قرار شده معادل تورم باشد؟! و سوم اگر بار دیگر تورم بالا رفت، باز هم مطابق تورم حقوق افزایش می‌یابد یا شیوه دیگری برمی‌گزینند؟!

طلاچی

■ دولت بدون اجازه مجلس، قانون استفاده پدران نوزادان از مرخصی زایمان را ملغی کرده است. خب! اگر این کار قانون است و دولت اختیار چنین کاری دارد، چرا مجلس داریم و وقت و هزینه ملت و نمایندگان، مصروف تصویب و ابلاغ قانون می‌شود، اگر چنین اجازه‌ای ندارد، چرا قانون‌شکنی می‌کند؟ این موضوع کاملا به بحث افزایش جمعیت لطمه می‌زند؛ در حالی که باید تمام موانع را برداشت.

صادقی خواه

■ آنم آرزوست/۱۶۹

چسبیدن به زمین

■ حجت‌الاسلام والمسلمین سید سعید لواسانی* ■

گروه پنجم از گروه‌هایی که نفس آنان را می‌فریبد و به حیات پست دنیوی مغرور می‌کند، طبقه اهل علم هستند، اعم از روحانیون و علمای دینی و دانشمندان و اساتید دانشگاهی و جریان روشنفکری. این گروه چون موصوف به علم هستند، اگر تقوا نداشته باشند، سریع اسیر شیطان و نفس می‌شوند و نوعی خودبرتربینی پیدا می‌کنند و برای خود حساب ویژه باز می‌کنند. مرحوم نراقی در جامع‌السعادات به تفصیل درباره این گروه سخن گفته است. [جامع‌السعادات: ۱۵/۳-۲۰] اجمالاً عرض می‌کنم که علم بدون تقوا و مراقبت از خود، حجاب اکبر است. یعنی همین علم که نور است، حجاب راه می‌شود. به این دلیل باید مراقب باشیم که به تهذیب نفس خود بیش از دیگران اشتغال داشته باشیم و علم و دانش را هم فضل و نعمت الهی بدانیم که اگر شکر آن را با خدمت به دین و مردم بجا آوریم، رستگار می‌شویم اما اگر این علم باعث شود که برای خود حسابی ویژه باز کنیم، حتماً گرفتار می‌شویم، گرفتاری‌ای که نهایت آن- خدای ناکرده- آتش دوزخ است. قرآن داستان دانشمندی را بیان می‌کند که خداوند به او علم داده بود اما او خود را از آن تهی و عاری کرد و در پی شیطان روان و گمراه شد: **«وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ**؛ و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد و از گمراهان شد!» [اعراف: ۱۷۵] به تعبیر «آیاتنا» توجه شود، اگر بخواهیم تطبیق بدهیم، شامل همه علوم آفاقی و انفسی یعنی علوم تجربی و انسانی و تجریدی و معرفت‌های دینی می‌شود. این علم که نعمتی از جانب خدا بود، برای او سودی نداشت، بلکه باعث شد او به زمین بچسبد و تابع هواهای نفسانی خود شود و حیات پست دنیوی او را به خود مشغول کند: **«وَ لَوْ شِئْنا لَرَفَعْناهُ بِها وَ لكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَواهُ**؛ و اگر می‌خواستیم، او را مقامی والا می‌دادیم اما او به زمین چسبید و به پستی گرایید و از هواهای نفسانی خود پیروی کرد.» [اعراف: ۱۷۶] شأن علم آن است که عالِم به وسیله علم بالا رود اما یک شرط دارد و آن اینکه همراه با تقوا و مراقبت از خود باشد، در غیر این‌صورت موجب خسران ابدی است: **«فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ**؛ مثَل او چون مثَل سگ است که اگر به او حمله کنی زبان از دهان بیرون آرد و اگر رهایش کنی بازهم زبان از دهان بیرون آرد. مثَل آنان که آیات را دروغ انگاشتند نیز چنین است. قصه را بگوی، شاید به اندیشه فرو روند.» [اعراف: ۱۷۶] خلاصه علمی که علت است برای رفعت مقام؛ نتیجه عکس داد و او را زمینگیر کرد، به گونه‌ای که دیگر سخنان حق در گوشش نمی‌رود. این حقیقت کسی است که به علم خود مغرور شود و خود را از دیگران برتر بداند. اگر مراقب خود نباشد، کارش به جایی می‌رسد که حقایق متعالی را تکذیب می‌کند. شاید این آیه یکی از شدیدترین تعبیرها درباره انسان‌های نابکار باشد که آنان را به سگ هار مَثَل زده است که هیچ خیری در آن نیست.

آری! علمی که به معرفت‌الله و خدمت به نظام اسلامی و مردم منتهی نشود، چه فایده‌ای دارد؟ امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) نقل می‌کنند که می‌فرمودند: **«نَعُوذُ بِاللهِ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ**؛ به خدا پناه می‌بریم از علمی که سودی ندارد» بعد خودشان توضیح می‌دهند که **«وَ هُوَ الْعِلْمُ الَّذِي يُضَادُّ الْعَمَلَ بِالْإِخْلَاصِ**؛ مقصود دانشی است که با عمل همراه اخلاص در تضاد باشد.» [مصباح الشریعه: ۱۲ ـ ۱۳] امر چنان مهم است که رسول خدا(ص) در تعقیبات نماز می‌فرمودند: **«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»**. [کنز الفوائد: ۲۸۵/۱] خلاصه اگر علم و دانش؛ پرده روی عقل و دین ما بیندازد، نه‌تنها فایده‌ای ندارد بلکه مانع راه خود دانشمند و ملت است زیرا «علمی که ایمان نیاورد، حجاب اکبر» است. [امام خمینی، رساله لقاءالله: ۲۹۲] و چنین دانشمندی آفت جامعه است: **«آفَةُ الْعَامَّةِ الْعَالِمُ الْفَاجِرِ»** [غرر الحکم: ۴۸]

واقعیت آن است که پیشرفت و پسرفت کشور تا حدود زیادی به دانشمندان آن بستگی دارد اما اگر دانشمندان به جای اینکه شکر دانشی را که خداوند به آنان عنایت فرموده است به جا آورند، به دنبال ریاست، کبر و حسد و دیگر رذایل اخلاقی بروند و غرور سر تا پای آنان را بگیرد، زیان آنان بیش از نفع‌شان است. به این طبقه؛ گروهی را که تریبون در اختیار دارند، یعنی وعاظ، مداحان، روزنامه‌نگاران، خبرنگاران، اهل هنر و رسانه و اهل فرهنگ را نیز باید اضافه کنیم که به دلیل جلوگیری از طولانی‌شدن از بحث درباره آنان خودداری می‌کنیم. کلام را با روایتی از حضرت عیسی(ع) پایان می‌برم: **«العالم السوء كصخرة وقعت في فم الوادي، فلا هي تشرب الماء و لا هي تترك الماء يتخلص إلى الزرع**؛ دانشمند بدکردار همانند سنگی بزرگی است که در دهانه گذرگاهی واقع شده که نه خود آب می‌خورد و نه می‌گذارد آب به کشتزاری برسد.» [جامع‌السعادات: ۲۰/۳]

*امام جمعه شمیرانات

آب‌وهوا

ابوموسی	۲۸ / ۱۵	سیستان	۲۰ / ۳
آذرشرقی	۳ / ۴-	فارس	۱۶ / ۱
آذرغربی	۵ / ۴-	قزوین	۷ / ۳-
اردبیل	۳ / ۴-	قم	۱۳ / ۳
اصفهان	۱۵ / صفر	کردستان	۹ / ۲-
البرز	۹ / ۱-	کرمان	۲۱ / ۱-
ایلام	۱۱ / ۲	کرمانشاه	۸ / ۳-
بوشهر	۲۳ / ۱۴	کهگیلویه	۱۰ / ۱
تهران	۱۰ / ۲	گلستان	۱۷ / ۴
چهارمحال	۱۲ / ۲-	گیلان	۱۳ / ۶
خراسان.ج	۱۷ / صفر	لرستان	۱۱ / ۴
خراسان.ر	۱۵ / ۳	مازندران	۱۶ / ۴
خراسان.ش	۱۰ / صفر	مرکزی	۴ / ۲-
خوزستان	۲۳ / ۸	هرمزگان	۲۸ / ۱۵
زنجان	۹ / ۳-	همدان	۱۰ / ۴
سمنان	۱۵ / ۲	یزد	۲۱ / ۵

تقویم تاریخ

■ **ابلاغ پیام تاریخی امام خمینی(ره) به «گورباچف» رئیس‌جمهور اتحاد جماهیر شوروی (۱۳۶۷ش)**

به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در اتحاد جماهیر شوروی، موجب تحولات عظیمی در جهان کمونیسم شد. حضرت امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که ناظر جریانات مهم سیاسی بین‌المللی بودند، از این فرصت به نحو احسن استفاده کرده و با دعوت جهان کمونیسم به اسلام، درصدد برآمدند تا خلأ به وجود آمده از فروپاشی ماتریالیسم را با جایگزینی اسلام ناب محمدی(ص) پر کنند. به همین جهت هیأتی را به سرپرستی حضرت آیت‌الله جوادی آملی به مسکو اعزام داشتند تا پیام کتبی معظم‌له را به گورباچف در دعوت به اسلام ارائه دهد. امام خمینی(ره) در این پیام با بینشی برخاسته از مکتب وحی و فراتر از وقایع روزمره و اتفاقات سیاسی، به ترسیم این رویداد مهم پرداختند. استفاده دقیق و بهنگام از این فرصت تاریخی در جهت ابلاغ ندای فطرت و پیام توحید، بیان غنای دین مبین اسلام و آمادگی حوزه‌های علمیه تشیع جهت پاسخگویی به نیازهای فکری و اعتقادی نسل معاصر، برقراری رابطه معنوی و ابراز همدردی و حمایت از مسلمانان شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق، ایستادگی نظام جمهوری اسلامی ایران بر اصل خدشه‌ناپذیر نه شرقی نه غربی و مبارزه با شکل‌های استکبار در چهره‌های مختلف آن، پیش‌بینی شکست قطعی مارکسیسم در میدان عمل و فروپاشی نظام الحادی کمونیسم، هشدار جدی نسبت به فروغلتیدن در دام قطب دیگر استکبار جهانی و نظام سرمایه‌داری غرب، تحقق وعده‌های الهی و بازگشت نهایی جامعه انسانی به فطرت خداجوی خویش، از جمله ویژگی‌ها و نکات برجسته این پیام است. امام خمینی(ره) در بخشی از این پیام فرمودند: «برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جست‌وجو کرد، چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست... از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحّص کنید و این نه به‌خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزش‌های والا و جهانشمول اسلام است».

■ **امضای پیمان «استارت ۲» بین آمریکا و روسیه (۱۹۹۳م)**

مذاکرات محدود کردن سلاح‌های استراتژیک از سال ۱۹۶۹ بین آمریکا و شوروی سابق آغاز شد و طی چند مرحله به امضای قراردادهای سالت یک و ۲ انجامید. هرچند در این میان پس از تهاجم شوروی به افغانستان، تنش‌هایی میان آمریکا و شوروی بروز کرد ولی با روی کار آمدن گورباچف و ایجاد دگرگونی در شوروی و فروپاشی این کشور، مذاکرات محدود کردن این سلاح‌ها ادامه یافت و به امضای قراردادهای استارت یک و ۲ منجر شد. براساس پیمان استارت ۲ که سوم ژانویه ۱۹۹۳ بین رؤسای جمهوری آمریکا و روسیه امضا شد، ۲ کشور متعهد شدند دوسوم تسلیحات زرادخانه هسته‌ای خود را بکاهند. این پیمان در ادامه اهداف پیمان استارت یک مبنی بر کاهش سلاح‌های هسته‌ای آمریکا و روسیه بود. همچنین دوطرف موافقت کردند که موشک‌های کوتاه‌برد و متوسط خود را نابود کنند. آمریکا به این دلیل با انعقاد پیمان استارت ۲ موافقت کرد که در پی فروپاشی شوروی، روسیه سیاست همکاری با غرب را در پیش گرفته بود و خطر مهمی برای آمریکا محسوب نمی‌شد.

■ **درگذشت «نیمایوشیج» شاعر نوسرای معاصر (۱۳۳۸ش)**

علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج در سال ۱۲۷۶ش در روستای یوش در استان مازندران به دنیا آمد. نیما از ۱۳۱۱ ساکن تهران شد و تا اواخر عمر در آنجا ماند. نیما، شعری را وارد صحنه ادب فارسی کرد که در عین دارا نبودن قافیه و ردیف، دارای وزن و هجا بود. این سبک شعر به شعر نو و شعر نیمایی مشهور است و افراد فراوانی به پیروی از سبک او، هنرآزمایی کرده‌اند. نیمایوشیج را پدر شعرِ نو فارسی می‌خوانند. از نیما یوشیج به غیر از مجموعه اشعار، آثار دیگری به چاپ رسیده است از جمله: داستان‌ها، اشعار، آثار تحقیقی، یادداشت‌ها و نامه‌ها. نیما یوشیج سرانجام ۱۶ دی ماه ۱۳۳۸ش در ۷۰ سالگی در تهران بدرود حیات گفت و در امامزاده عبدالله تهران به خاک سپرده شد. ۳۴ سال بعد در دی‌ماه ۱۳۷۲ به همت مردم نور و یوش، پیکر نیما یوشیج از امامزاده عبدالله تهران به زادگاهش، یوش منتقل شد و در آنجا مدفون شد.